



## The Institute of Ismaili Studies

**العنوان:** آموزه‌های بازتابی از برنامه‌های آموزشی انجمن‌های حلّ اختلاف و داورى مسلمانان اسماعیلی در سطح جهان

**المؤلف:** محمد کشاوجی

**المصدر:** مقاله‌ی ارایه شده در پنجمین کنفرانس مجمع جهانی میانجی‌گری در شهر کرانس مونتانا در کشور سوئیس، در روز پنجشنبه هشتم سپتامبر ۲۰۰۵ توسط محمد م. کشاوجی، کارشناس ارشد حقوق (لندن) و تونی واتلینگ کارشناس امور اجتماعی و شورای حل اختلاف خانوادگی ماساچوست

تم الحصول على حقوق النشر من الناشر المذكور.

إن استخدام المواد الموجودة على موقع معهد الدراسات الإسماعيلية يشير إلى القبول بشروط معهد الدراسات الإسماعيلية لإستخدام هذه المواد. كل نسخة من المقال يجب أن تحتوي على نفس نص حقوق النشر التي تظهر على الشاشة أو التي تظهر في الملف الذي يتم تحميله من الموقع. بالنسبة للأعمال المنشورة فإنه من الأفضل التقدم بطلب الإذن من المؤلف الأصلي والناشر لإستخدام (أو إعادة استخدام) المعلومات ودائماً ذكر أسماء المؤلفين ومصادر المعلومات.

آموزه‌های بازتابی از برنامه‌های آموزشی انجمن‌های حل اختلاف و داوری مسلمانان اسماعیلی  
در سطح جهان  
محمد کشاوجی

مقاله‌ی ارایه شده در پنجمین کنفرانس مجمع جهانی میانجی‌گری در شهر کرانس مونتانا در کشور سوئیس، در روز پنجشنبه هشتم سپتامبر ۲۰۰۵ توسط محمد م. کشاوجی، کارشناس ارشد حقوق (لندن) و تونی واتلینگ کارشناس امور اجتماعی و شورای حل اختلاف خانوادگی ماساچوست

### چکیده

در این مقاله، نویسنده بر آموزه‌های بازتابی حاصل از برنامه‌های آموزشی چندفرهنگی‌ای تأکید می‌کند که با موضوع میانجی‌گری در ۱۰ کشور دنیا اجرا شده است. این برنامه‌های آموزشی که در پرتو انجمن‌های کشوری حل اختلاف و داوری (NCABs) در جوامع مسلمان اسماعیلی در سراسر جهان برگزار می‌شوند، با تنظیمات محلی، با کمک مردم محلی و اغلب با زبان رایج خود آن مردم ارائه می‌گردند. آنها معیارهای بومی، فرهنگی، قانونی و اخلاقی را با هم آمیخته و آنرا با اصول میانجی‌گری مدرن و الگوهای تجربه‌شده ترکیب می‌کنند، و از ایفای نقش‌ها و آموزش‌هایی که نسبت به بسترها و کارآموزان حساس هستند بهره می‌برند. برنامه‌ها با کمک انجمن‌های حل اختلاف و داوری طرح‌ریزی شده و شامل مجموعه مفروضاتی هستند که تجارب میدانی واقعی که کارآموزان در آن ایفای نقش می‌کنند را شبیه‌سازی می‌نمایند.

این برنامه‌های آموزشی که در سال ۲۰۰۰ در انگلستان شروع شد، در مسیر حرکت خود از کشوری به کشور دیگر دستخوش تغییراتی گردید. ابعاد جدید که مفهوم وسیع‌تری از نسبیت را برجسته می‌کند، مستلزم بازطراحی مستمر است. «شکل‌دهی اجتماعی»، مفهومی که نویسندگان این مقاله به شرکت بیشتر ذی‌نفعان اطلاق می‌کنند، نشان می‌دهد که در فرهنگ‌های متنوع اگر ذینفعان مهم به عنوان بخشی از راه حل محسوب نشوند، به بخشی از مشکل تبدیل خواهند شد.

این نوشتار نشان می‌دهد که چگونه يك جامعه‌ی بین‌المللی مسلمان که در بیش از ۲۵ کشور دنیا پراکنده‌اند يك برنامه‌ی آموزشی پایه‌ای را از طریق ترکیب خردمندانه‌ی بهترین سنت‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی با اصول میانجی‌گری معاصر و الگوهای عملی برقرار نموده است. تمام اینها در چارچوبی از قوانین کشورهای مختلفی که اعضای این جامعه در آنها اقامت دارند، صورت گرفته است. این امر نشان می‌دهد که چگونه سیستم‌های قضایی این کشورها به تدریج، انجمن‌های کشوری حل اختلاف و داوری را به عنوان بدنه‌ای واجد شرایط به رسمیت می‌شناسند و موضوعاتی را برای حل و فصل در چارچوبی از اصول و معیارهای اخلاقی که برای عملکرد اثربخش آنها استقرار یافته، به این انجمن‌ها ارجاع می‌دهند.

## فهرست محتویات

- پیشینه‌ی تاریخی
- محتوی و اهداف برنامه‌ی آموزشی
- ارزیابی برنامه
- برخی دستاوردهای اولیه‌ی یادگیری برای مربیان راهنما
- نمونه‌هایی از یادگیری بازتابی برای مربیان
- نتیجه‌گیری

## پیشینه‌ی تاریخی

مسلمانان شیعه‌ی امامی اسماعیلی که عموماً به نام اسماعیلیان مشهورند، متعلق به شاخه‌ی شیعه‌ی دین اسلام هستند که اهل سنت شاخه‌ی دیگر آن را تشکیل می‌دهند. اسماعیلیان در بیش از ۲۵ کشور دنیا از جمله آسیای مرکزی و جنوبی، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی زندگی می‌کنند.

اسماعیلیان به شهادتین بنیادین اسلام یعنی اینکه هیچ خدایی جز الله نیست و محمد (ص) فرستاده و پیام‌آور اوست اعتقاد دارند. آنها معتقدند که محمد آخرین پیامبر خداست و قرآن که آخرین پیام خداوند برای بشریت است بر او نازل شده است.

همراه با سایر مسلمانان شیعی، اسماعیلیان معتقدند که پس از وفات پیامبر، علی بن ابی‌طالب (وفات ۶۶۱ میلادی) پسر عمو و داماد پیامبر به‌عنوان اولین امام- رهبر روحانی جامعه‌ی اسلامی- برگزیده شده و پس از آن، این رهبری روحانی (امامت) در نسل علی (ع) و همسرش فاطمه دختر پیامبر، ادامه می‌یابد. جانشینی امامت طبق عقیده و سنت شیعه، از طریق نصّ صورت می‌پذیرد. این حق انحصاری امام زمان است که جانشین خود را از بین اولاد ذکور خود، خواه از میان پسران و یا نسل‌های بعدی آنان منصوب نماید. والاحضرت پرنس کریم آقاخان، چهل و نهمین امام موروثی مسلمانان شیعه‌ی امامی اسماعیلی است. وی در سیزدهم دسامبر ۱۹۳۶ در سویس متولد شد و در تاریخ یازدهم ژولای ۱۹۵۷ در سن بیست سالگی به‌عنوان امام مسلمانان اسماعیلی جانشین پدر بزرگش، سر سلطان محمد شاه آقاخان شد.

بیعت معنوی با امام زمان و تبعیت از عقاید شیعه‌ی امامی اسماعیلی اسلام بر مبنای هدایت امام، نوعی روحیه‌ی اتحاد، اعتماد به نفس و هویت مشترک در میان جامعه‌ی اسماعیلی ایجاد نموده است. اسماعیلیان در کشورهایی که زندگی می‌کنند، یک چارچوب مؤسساتی مدون را به نحوی مطلوب گسترش داده‌اند و از طریق آن در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، خانه‌سازی، تأسیس مدارس، بیمارستانها، مراکز بهداشتی، مجتمع‌های مسکونی و نیز مؤسسات اجتماعی، فرهنگی و توسعه‌ی اقتصادی که برای منفعت عموم مردم، فارغ از نژاد و مذهبشان، به پیشرفت‌های گسترده‌ای دست یافته‌اند.

پدر بزرگ فقید آقاخان فعلی، والاحضرت سلطان محمد شاه آقاخان (وفات ۱۹۵۷)، شالوده‌ی ساختار مؤسساتی این جامعه را از يك سو بر مبنای سنت اسلامی و اخلاق اجتماعی و از سوی

دیگر بر مبنای وجدان فردی مسئول، با آزادی لازم برای تصمیم‌گیری درباره‌ی تعهد اخلاقی و سرنوشت شخص بنیان نهاد تا از این طریق ساختارهای مؤسساتی جدیدی را، به عنوان مسیری رو به پیشرفت در قرنهای بیستم و بیست‌ویکم ایجاد نماید.

وی در سال ۱۹۰۵ اولین اساسنامه‌ی اسماعیلی را برای اداره‌ی اجتماعی جماعت در آفریقای شرقی وضع نمود. این به خودی خود گامی بسیار مهم در جهت مدرن‌سازی جامعه‌ی اسماعیلی بود. این اساسنامه به جامعه، نوعی از مدیریت که شامل مجموعه‌ای از انجمن‌ها در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای است اعطا کرد. همچنین قواعدی برای حقوق فردی در مواردی مانند ازدواج، طلاق و ارث و نیز رهنمودهایی برای عملیات و حمایت متقابل، در میان اسماعیلیان و میانجی‌گری بین آنها و دیگر جوامع تنظیم نمود. اساسنامه‌های مشابهی در شبه‌قاره‌ی هند برقرار شدند. همه‌ی آنها بطور دوره‌ای مورد تجدید نظر قرار گرفتند تا نیازهای ضروری و شرایط محیطی جامعه را در نظر بگیرند.

این سنت، تحت رهبری جانشین او و امام فعلی جامعه‌ی اسماعیلی ادامه یافت و از دهه ۱۹۷۰ در دیگر مناطق جهان از جمله ایالات متحده، کانادا، چند کشور اروپایی و نیز آسیای جنوبی، منطقه‌ی خلیج فارس، سوریه، ایران و افغانستان پس از مذاکره با هیئت‌های حاکمه‌ی مربوط، گسترش پیدا کرد. آقاخان فعلی در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار اساسنامه‌ی واحدی را منتشر نمود و به وسیله‌ی آن اداره‌ی جماعت جهانی اسماعیلی را با ساختاری منعطف و متناسب با تنوع شرایط محیطی مناطق مختلف، تحت یک لوای واحد درآورد. این اساسنامه توسط خدمات داوطلبان افتخاری و متعهد به امام، به مثابه‌ی یک تواناساز برای استفاده از بهترین خلاقیت‌های فردی از طریق ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در گروه و در جهت بهبود آسایش و سعادت عمومی تلاش می‌کند. اساسنامه‌ی جهانی اسماعیلی همانند اساسنامه‌های قبلی، بر بیعت روحانی هر اسماعیلی با امام زمان بنا شده که متفاوت از تعهد دنیوی هر اسماعیلی به عنوان یک شهروند نسبت به نهادهای مدنی کشورش می‌باشد. در حالیکه اساسنامه اساساً برای اداره‌ی نیازهای جامعه‌ی اسماعیلی ایجاد شده است اما مفاد آن در مورد تقویت حل و فصل دوستانه‌ی مشاجرات از طریق مصالحه‌ی منصفانه، میانجیگری و داوری بطور فزاینده‌ای در برخی کشورها توسط غیر اسماعیلیان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر مبنای مفاد اساسنامه‌ی اسماعیلی است که انجمن‌های حل اختلاف و داوری جماعت اسماعیلی تشکیل شده و فعالیت می‌کنند. این انجمن‌ها امروزه در کشورهای افغانستان، کانادا، فرانسه، هند، ایران، کنیا، ماداگاسکار، پاکستان، پرتغال، سوریه، تانزانیا، اوگاندا، انگلستان و ایالات متحده‌ی آمریکا موجود هستند.

طبق اساسنامه‌ی منتشره سال ۱۹۸۶، قوانین مربوط به انجمن کشوری حل اختلاف و داوری (NCAB) برای هر یک از کشورهای مشخص شده در اساسنامه ایجاد شده است. تبعیت از تصمیمات قضائی انجمن، کاملاً داوطلبانه است و این انجمن‌ها از افرادی قابل اعتماد، و عمدتاً داوطلب با زمینه‌های کاری مختلف از میان جامعه‌ی اسماعیلی تشکیل شده‌اند. وظیفه‌ی اصلی انجمن، کمک به مصالحه و آشتی میان دو طرف در مورد اختلافات و مشاجرات ناشی از امور بازرگانی، تجاری یا دیگر موارد مدنی شامل مباحث مربوط به اختلافات زناشویی، فرزندان حاصل از ازدواج، دارایی‌های خانوادگی و وراثت با وصیت‌نامه و بدون وصیت‌نامه می‌شود.

این انجمن‌ها همچنین همانند يك بدنهی قضایی و داوری فعالیت نموده و از این رو، در مورد مسائل بازرگانی، تجاری و دیگر مسئولیت‌های مدنی و اختلافات خانوادگی حکم صادر می‌کنند.

ویژگی بارز همه‌ی این انجمن‌ها استفاده از اصول توافق از طریق گفتگو (صلح) و گذشت که در قرآن شریف به آن اشاره شده، سنت پیامبر (ص)، ارشادات امامان قبلی، و تعالیم و هدایت‌های چهل و نهمین امام حاضر است. این انجمن‌ها همواره بر مبنای قوانین رایج کشورهای میزبان خود فعالیت می‌کنند.

در راستای ارشاد امام حاضر، يك برنامه‌ی آموزشی در سال ۲۰۰۰ در انگلستان با هدف ارتقای مهارت و تخصص داوطلبانی که سیستم حل اختلاف و داوری مسلمانان شیعه‌ی امامی اسماعیلی را پی‌ریزی نمودند، برگزار گردید.

پس از آن برنامه‌های آموزش میانجیگری در آفریقای شرقی، هند، پاکستان، سوریه، پرتقال، کانادا، ایالات متحده، انگلستان و افغانستان برگزار شده است. محتوای این برنامه‌های آموزشی توسط متخصصین گوناگون در حوزه‌های حقوق، اقتصاد، مشاوره، حل منازعات به شیوه‌ی جایگزین (ADR) و فقه اسلامی ارائه گردید.

يك جنبه‌ی مهم از برنامه‌های آموزشی، حصول اطمینان از توازن میان خرد پویای جوامع مختلف، چارچوب اخلاقی اسلام که بر غمخواری، شفقت و مراعات تأکید می‌کند و اصول اجرای ADR در دوران معاصر است. این کار از طریق درگیر نمودن انجمن‌های کشوری حل اختلاف و داوری در طراحی برنامه‌های آموزشی به منظور تلاش برای درك نیازهای خاص آنها در بسترهای اجتماعی-قضائی که در آن فعالیت می‌کنند انجام می‌پذیرد، و از سنت‌هایی استفاده می‌کند که عملاً درون این بسترها کارگشا هستند. این برنامه‌های آموزشی، بر مفهوم اسلامی توافق از طریق مذاکره (صلح) تأکید می‌کنند و بر مبنای هدایت امام زمان که اغلب در فرامین خود به اهمیت اتحاد در خانواده، نیاز برای مصالحه و درك بیشتر شرایط بروز تعارض، و ارزش حمایت‌های پس از دعوا برای «مرهم نهادن بر زخمها»، طرح‌ریزی می‌گردد. این برنامه‌ها فرایندها و عملکردهای موجود انجمن‌های حل اختلاف و داوری در سراسر جهان را ارج نهاده و برای حصول اطمینان از توازن میان دو شیوه‌ی استنتاجی از بالا به پایین و يك رویه‌ی قیاسی از پایین به بالا تعریف شده است (جی. پی. لدرچ). این برنامه‌ها بر اصول يك آموزش ساختاری مشترك با رویکردی به آموزش مبنی بر مشارکت حقیقی مبتنی هستند.

وکلاي متبحر با پیشینه‌ی حقوقی در همان کشور، در میزگردهایی برای تشریح ارتباط میان قوانین جاری کشور و فرایندهای پیشنهادی رفع منازعات مورد استفاده در سیستم انجمن حل اختلاف و داوری، شرکت می‌کنند. اغلب در روز پایانی يك متخصص فقه اسلامی از منظر تعارض قوانین، برنامه‌ی آموزشی را جمع‌بندی می‌نماید تا این اطمینان حاصل شود که شرکت‌کنندگان با درك کافی از سیستمهای قانونی کشورشان و فعالیت‌های مرتبط با فرایندهای حل منازعات در حوزه‌ی اقدامات قضائی‌شان، محل برنامه را ترك می‌کنند.

## محتوی و اهداف برنامه‌ی آموزشی

برنامه‌ی آموزشی که در سطح جهانی پیگیری می‌شود توسط سرگروه آموزش، تونی واتلینگ به صورت یک برنامه‌ی آموزشی پنج روزه‌ی زیربنایی در مورد میانجیگری خانواده طراحی شده است. مفاد این برنامه به طور گسترده‌ای سازگار با شیوه‌های آموزشی و مطالب درسی کالج مدیاتور انگلستان و با تأیید پرسنل آموزشی آن، اخذ شده است. [جهت کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت [www.ukcfm.co.uk](http://www.ukcfm.co.uk) مراجعه شود]. هدف از این برنامه فراهم ساختن شرایطی برای شرکت کنندگان است تا قادر به تعریف مفهوم میانجیگری، اصول و ارزشهای آن و درک تمایز میانجیگری از سایر مداخلات باشند. با بهره‌گیری از روشهای مختلف تعلیم و تربیت، که شامل سخنرانی، ارائه‌ی مربیان، نوارهای ویدئویی، تمرین در گروههای کوچک و بزرگ و ایفای نقش می‌باشد، شرکت کنندگان با مراحل کلیدی میانجیگری از برقرارسازی ارتباط باطرفین تا توافق نهایی آشنا می‌شوند. مسائل دیگری که مطرح می‌شوند شامل درک و تمرین مهارت‌ها و استراتژی‌های گوناگون در میانجیگری و نظارت برای دستیابی به عملکردی اطمینان‌بخش [به طور مثال در مورد خشونت‌های خانوادگی و بهره‌کشی از کودکان]، مدیریت درگیری‌ها و کشمکش‌های شدید، احساسات و تنگناها و میانجیگری در مسائل مالی و ملکی می‌باشند.

سخنرانی‌هایی در مورد جنبه‌های اخلاقی اسلام درباره‌ی تعریف برخورد، مدیریت و چاره‌یابی در این برنامه گنجانده شده‌اند.

## ارزیابی برنامه

پاسخ‌های شرکت کنندگان در این برنامه به طور روزانه از طریق فرم‌های بازخورد/ارزشیابی فردی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این فرم‌ها در پایان هر روز به دقت توسط اساتید آموزشی بررسی می‌شوند تا به صورت روزانه، میزان تأمین نیازهای اعضای گروه توسط فرایند آموزش/یادگیری را مورد ارزیابی قرار دهد. گروه‌ها با چنان علاقه و تعهدی تشکیل می‌شوند که به ندرت امکان دارد که تمامی پرسش‌هایی را که در پایان هر روز با آن مواجه می‌شوند، پاسخ داد. این موضوع برای برخی از شرکت کنندگان آزاردهنده است زیرا به پرسش‌های مطرح شده‌ی آنها پاسخی داده نشده است، که می‌تواند به این علت باشد که مربی اولویت بیشتری برای کارآموز دیگری قائل شده و یا اینکه به طور کلی زمان کافی برای پرسشها در نظر گرفته نشده است. بنابراین، فرایندی را طراحی نمودیم تا تمام پرسشهای پاسخ داده نشده در فرم‌های ارزیابی مطرح شوند و یا بر روی برگه‌ای نوشته شده و به تیم آموزش ارایه گردند. پس از آن تیم آموزش می‌تواند روز بعد را با پاسخ به موضوعات کلی که در فرمها مطرح شده‌اند و همچنین پرسش‌هایی که از روز قبل بی‌پاسخ مانده‌اند، آغاز کند. اغلب حدود ۱۵ تا ۲۰ پرسش مکتوب به ۳ یا ۴ موضوع مشترک کاهش می‌یابد.

## برخی دستاوردهای اولیه‌ی یادگیری برای مربی ارشد

آنچه در نخستین برنامه‌ی انگلستان به وضوح دیده می‌شود و مایه‌ی شگفتی نیز نیست، این است که تیم اصلی آموزش، الگویی آشنا برای میانجیگری یعنی حل مسائل به صورت فردی، تلاش برای

توافق، و الگوهای فرهنگی میانجیگری غربی طراحی و ارائه می‌کند. تلاشی برای جمع‌آوری اطلاعاتی پایه در مورد تاریخ اسماعیلیه و مفاهیم و سنتهای فرهنگی اسلام صورت گرفته است. با این وجود، آنچه درک نشده بود میزان و مقداری بود که بستر فرهنگی غیر غربی جمع‌گرا/انجمن‌محور غیر غربی می‌بایست در الگوی میانجیگری موجود منعکس شوند. پال کیمل [«فرهنگ و تعارض» در مورتون دوش، راهنمای حل درگیری ها، جوسی - باس، سال ۲۰۰۰، صفحه ۴۵۳]، به این چنین پدیده ای در مطلبی پیرامون ارتباط میان انسانها با سوابق فرهنگی مختلف اشاره می‌کند. وی به اهمیت وجود افراد با پیشینه‌های فرهنگی مختلف اشاره نموده و می‌گوید «... از این طریق تفاوت‌های اساسی فرهنگی درک شده و تعاملاتی میان افراد ایجاد می‌گردد که ارتباطات را تسهیل و مشکلات را رفع می‌کند،» به طوریکه بدون آن «... سوء تفاهم و اختلال در اجلاس بین المللی می‌تواند ناشی از انتظارات ناخودآگاهی باشد که مذاکره کنندگان، میانجیگران و مربیان با معیار انتظارات فرهنگی خود با آن مواجه می‌شوند، و در این انتظارات، نقطه اشتراکی با همتایانشان که از فرهنگ‌های دیگر می‌آیند ندارند.

در حالی که تلاشهای کیمل بیشتر بر مذاکرات و تضادهای بین فرهنگی و ترجیحات برنامه‌های آموزشی، متمرکز است، مراجعات وی برای تسهیل «ارتباطات و حل مشکلات» نیز معتبر و ارزشمند است، زیرا می‌توان گفت بخش قابل توجهی از فرایند تعلیم و تربیت مرتبط با «ارتباط و حل مشکلات» است، یعنی [مواردی که] مربیان و دانش‌آموزان تلاش دارند تا برای تبادل مؤثر نظرات و مفاهیم، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اغلب در این فرایند، آنها با موانعی در فهم و یا و مخالفت‌هایی در برابر ایده‌های جدید مواجه می‌شوند، که نیازمند روش‌های حل مسئله برای تلاش برای کسب يك سطح قابل قبول از درک متقابل است.

### نمونه‌هایی از یادگیری بازتابی برای مربیان

يك نمونه از تفاوت‌های فرهنگی که از بحث‌های گروهی پیش آمد مربوط به این بود که چه تعداد زیادی از گروه جماعتی به این موضوع توجه دارند و یا علاقه نشان می‌دهند که بر سر زوجی که طرفین میانجیگری هستند چه خواهد آمد. میانجی‌گرانی که در زمینه‌ی مسائل خانوادگی در بسترهای غربی، صنعتی و هسته‌ای کار می‌کنند اهمیت «دیگران مهم» بعنوان مثال والدین، برادران و خواهران، دوستان و شاید همسران جدید که همه دیدگاهها و نظراتی در طرفداری از یکی از طرفین دارند که دانستن آنها ممکن است برای میانجی مهم باشد، اگر مطلوب این باشد که آنها توافقات حاصل شده میان دوطرف مناقشه در اتاق میانجیگری را برهم نزنند. به قول الدریج کلیور: «اگر شما بخشی از راه حل نیستید، قسمتی از مشکل هستید». اما در میان گروه‌های فرهنگی غیر غربی، این «گروه» از نظرات و نگرانی‌ها، احتمالاً شامل افراد «ذی‌نفع» و زیرگروه‌های جمعی بیشتری باشد.

برای آزمودن این فرضیه‌ی تفاوت، مربی يك تمرین گروهی را طراحی نمود که در ابتدا گروه را دعوت می‌کرد تا يك زن و شوهر از جماعتشان را که در دفتر حل اختلاف نشسته‌اند، تصور کنند و سپس به سرعت فهرستی از افراد یا گروه‌های ذی‌نفع که ممکن است وجود داشته باشند را روی تخته ثبت کنند. فهرست حاصل معمولاً تا ده یا دوازده زیرمجموعه از قبیل والدین زوج، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها، فرزندان، خواهر و برادران، دوستان، بزرگان فامیل، رهبران مذهبی و گروه‌های

حامی، کارفرماها، معلمان و دیگران را شامل می‌شود. این افراد ذی‌نفع به عنوان زیرگروه‌ها دور هم جمع شده و به صورت يك مجسمه‌ی زنده با فاصله‌ی معین و برحسب نزدیکی یا دوری فامیلی و اجتماعی نسبت به زوج در اتاق می‌ایستند. از هر گروه خواسته می‌شود تا دیدگاه‌های حمایتی خود را تشریح نموده و جدولی از سؤالات و نگرانی‌هایی که ممکن است در مورد فرایند میانجیگری داشته باشند فراهم آورند. آنگاه زیرگروه‌ها نتایج این تمرین را ارائه نموده و نوشته‌هایشان تا پایان برنامه بر روی دیوار نصب می‌شود تا نگرانی‌های اعضا و تأثیر بالقوه‌ی آنها بر هر توافقی که در فرایند میانجیگری حاصل می‌شود را یادآور شود. معمولاً نگرانی‌ها هم عمومی و هم خاص هستند. به عنوان مثال بیشتر گروه‌ها سؤالات و نگرانی‌هایی در مورد اینکه چقدر این میانجیگری بی‌طرفانه، باصلاحیت، منصفانه، دارای الزام قانونی و با بهترین مصلحت‌اندیشی برای فرزندان است دارند. نمونه‌هایی از سؤالات و نگرانی‌های خاص يك گروه مانند اعضای فامیل، و بزرگان و رهبران دینی می‌تواند به این شرح باشد: آیا توجه کافی برای پایدار ماندن ازدواج معطوف خواهد شد، آیا جامعه به نوعی باعث شکست این زوج شده است، و آیا این زن و شوهر از میزان خدمات حمایتی و مشاوره‌ای که در جامعه موجود است آگاهی دارند؟ والدین و پدربزرگ و مادر بزرگ‌ها ممکن است نگرانی‌هایی در مورد بدهی‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌ها، حقوق ملکی، دارایی‌های اعطایی به زوج برای خرید خانه یا سرمایه‌ی کار داشته باشند و اینکه آیا این دارایی‌ها ممکن است از دست بروند و یا شاید بعنوان داراییهای مشترک زناشویی در نظر گرفته شوند. معمولاً برای چنین تصفیه حساب‌های مالی اسناد و قراردادهای رسمی وجود ندارد، در نتیجه برای بررسی ادعاهای طرفین در مورد دارایی‌ها نمی‌توان کار زیادی انجام داد. کارفرماها ممکن است نگران سلامت جسمی و روانی مستخدم خود و میزان تمرکز وی بر وظایفش در محل کار و یا توانایی بازپرداخت وامی که برای خرید اتومبیل یا خانه دریافت نموده است باشند. این ساختار جامعه‌ای، می‌تواند برای دستیابی به محدوده‌ای از اهداف که ماوراء همه‌ی تلاشها برای حصول اطمینان از مفهوم و قابلیت اجراست مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، این ساختار توجه هر یادگیرنده را نه تنها بر حسب اعتبار بیشتر مفاهیم نظری که از طریق تجربه مستقیم به دست می‌آید بلکه همچنین بعنوان يك نماینده‌ی واقعی یک جامعه‌ی دینی متمرکز می‌سازد. مربی با يك فرهنگ متفاوت، از طریق کار در این سبک به عنوان آموزش دهنده و نیز یادگیرنده، به واسطه‌ی يك فرایند قیاسی که به گونه‌ای فرهنگی و مفهومی بنا شده، با شرکت‌کنندگان در تعامل است. در طول این فرایند سؤالات و تردیدهای بالقوه که قطعاً در مورد ارتباط و قابلیت اجرا در ذهن شرکت‌کنندگان گروه نقش می‌بندد می‌تواند در مراحل اولیه‌ی فرایند نمایان شود به جای اینکه در طی چند روز روی هم جمع شود. این شکل‌دهی اجتماعی يك فعالیت یکباره نیست بلکه می‌تواند در روزهای بعد نیز به گونه‌ای سودمند تداوم یابد. این زیرگروه‌ها را می‌توان دوباره دور هم جمع نمود و از آنها خواست تا نگرانی‌های اولیه‌ی خود را در طول این مدت و در پرتو آموزه‌های جدیدی که از طریق تعالیم مربی و نقش‌های بازی شده کسب نموده‌اند مجدداً بررسی کنند. این امر بی‌تردید این اطمینان را به وجود می‌آورد که «بازرسی‌های جامعه»، کاهش مداوم نگرانی‌ها و در نتیجه افزایش اعتماد به این نکته که میانجیگری در حلّ و فصل مشاجرات در این بسترهای جماعتی ارزش توجه را دارد.

نمونه‌ی دیگر از شیوه‌ای که برنامه بطور قیاسی به نگرانی‌های اقتضایی پاسخ می‌دهد در روز دوم برنامه‌ی آموزشی در کراچی رخ داد، زمانی که نماینده‌ی گروه اعزامی از منطقه‌ی کوهستانی شمال پاکستان علی‌رغم اینکه همه‌ی آموخته‌هایش را بگونه‌ای مناسب تشریح می‌کرد، اذعان نمود که احساس می‌کند این آموزه‌ها برای مشاجرات در منطقه‌ی وی کارساز نخواهند بود. او توضیح



داد که مشاجرات در آن ناحیه معمولاً بیش از يك مشاجره‌ی خانوادگی بوده و با مباحث پیچیده‌ی بین‌نسلی و میان‌جماعتی مانند درگیری‌های فامیلی گسترده در مالکیت احشام، ارث زمین، حقوق چراگاه و مهریه بگونه‌ای حل‌نشده‌ی گره خورده است. هر کدام از طرفین مشاجره بطور طبیعی انتظار دارند تا برای داور منتخب که توافق نهایی را ایجاد می‌کند مواردی را ارائه دهند. بنظر می‌رسد مذاکرات متعدّد نمی‌تواند نمایندگان محلی را متقاعد سازند و از این رو، مربیان تصمیم گرفتند تا بر اساس ضرب‌المثل «دلیل وجود غذا در خوردن آن است» عمل نمایند.

از گروه مورد نظر خواسته شد تا در طول شب يك بررسی موردی درباره‌ی يك نمونه‌ی بارز در منطقه‌شان را تهیه کرده و در روز بعد ارائه نمایند. همچنین از آنها خواسته شد تا تعدادی از شرکت‌کنندگان را برای ایفای نقش طرفین مشاجره و میانجی‌گرانی که به تیم مربیان به‌عنوان گروه مشاور دسترسی دارند تعیین نمایند. خوشبختانه در تمام موارد مورد نظر، این طرح اجرایی پیچیده به توافقات و نتایج مناسبی برای طرفین مشاجره، میانجی‌گران کارآموز و همه‌ی شرکت‌کنندگان حاضر منجر شد. با وجود زمانی که صرف اجرای این فعالیت شده و موجب قطع برنامه‌ی آموزشی گردید، بنظر می‌رسد تردیدی نبود که این فرصت یادگیری در چنین تجربه‌ی بستری مستقیم بر اعتبار برنامه تأثیر مهمی داشت؛ میانجی‌گری نه تنها مؤثر افتاده بود بلکه مؤثر بودن به چشم دیده شده بود. موفقیت این تمرین در بستر فعالیت‌های فرهنگی چنان بود که به جزئی از ساختار برنامه‌ی آموزشی تبدیل شده است.

مبحث دیگری که در ارایه‌ی بسته‌ی جدید آموزشی در پاکستان بروز کرد، انتظارات تاریخی فرهنگی ناشی از منازعات است که میانجی‌گر با آنها مواجه خواهد بود. این موضوع به شیوه‌ای کاملاً ساده توسط یکی از شرکت‌کنندگان به این شکل بیان شد که وی پس از شنیدن سخنان همه‌ی طرف‌های درگیر در مناقشه هیچ تصمیمی برای توافق اتخاذ ننمود، زیرا ممکن است نقش و جایگاه وی به‌عنوان مسئول حلّ اختلاف، شکست‌خورده تلقی شده و کل فرایند زیر سؤال برود. به وضوح مشخص است که این فرایند تاریخی، که ریشه در سیستمهای دادرسی قدیمی دارد بسیار نزدیک‌تر به درکی است که ما از مفهوم داوری داریم. به‌طور جالب توجهی این موضوع متعاقباً در سوریه و پس از آن در سال گذشته در افغانستان از سوی میانجی‌گران کارآموز که انتظار می‌رفت در مناطق کوهستانی بدخشان افغانستان میانجی‌گری کنند نیز مورد توجه قرار گرفت. این «حقیقت تازه» يك چالش اخلاقی برای میانجی‌گر است که در میان يك تقاطع که از سویی با يك تعریف شفاف از «اصول غیرقابل تقلیل» که معنای میانجی‌گری را توصیف می‌کند و از سوی دیگر با يك بستر بین‌فرهنگی که ممکن است به‌گونه‌ای قابل درک نسبت به پذیرش چنین تغییرات ریشه‌ای، بی‌میل باشد، روبروست. يك سؤال تکراری این است که يك فرد تا چه میزان می‌تواند تغییر شیوه داده و این اصول بنیادین را با بسترهای فرهنگی وفق دهد قبل از اینکه از مسیر اصلی منحرف شده و دیگر نماینده‌ی میانجی‌گر محسوب نشود؟ يك راه‌حلّ وسوسه‌انگیز اتخاذ این شیوه‌ی معروف آموزشی است که «دنیا این چنین است چون من می‌گویم، بنابراین شما باید هر چه من می‌گویم انجام دهید». ادب ذاتی شرکت‌کنندگان و احترام عمیق آنان برای معلم و تحصیل، احتمالاً رضایت و تصدیق کوتاه مدتی را ایجاد می‌کند اما موجب رفع مشکل نخواهد شد. يك واکنش بالقوه‌ی مفیدتر این است که همانند يك میانجی‌گر متبحر مشکل را اعلام نموده و راه‌حل‌های ممکن را مورد بررسی قرار دهیم. بهترین گزینه‌ای که توسط مربی انتخاب شد این بود که میانجی‌گر، طرفین منازعه را در تمام مراحل فرایند میانجی‌گری از جمله مرحله‌ی دشوار «توسعه‌ی گزینه‌ها» راهنمایی کند، در آن زمان شرایط مصالحه‌ی مرجح و ایده‌آل بوضوح آشکار بوده و سپس بصورت يك دیدگاه در

بسته‌ی حلّ و فصل ارائه می‌گردد. آیا این روش مناسبی است؟ آیا باز هم در چارچوب اخلاقی آنچه ما میانجیگری می‌نامیم می‌گنجد؟ آیا ما باید مشخصه‌ی روشنی بنام «میانجیگری/حلّ اختلاف» را تقویت کنیم.

از منظر آموزش میان فرهنگی، لدرچ چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «آموزش، انتقال دانش نیست بلکه بیشتر ایجاد دانش است. ما ایجاد فضایی را به‌عنوان هدف خود قرار داده‌ایم که در آن، رموز کار شرکت‌کنندگان درباره تضادها به سطحی واضح و روشن ارتقا یافته و می‌تواند به‌عنوان يك مبنا برای ساخت مدل‌های مناسب میانجیگری برای مشکلاتی که در بسترهای خود با آن روبرو هستند به حساب آید. این مدل انتقال نمی‌یابد، بلکه ایجاد می‌شود. يك مدل تجویزی نیست، بلکه انتخابی است. این مفهومی کاملاً مهم در مباحث میان فرهنگی و همچنین درون خود يك فرهنگ خاص است.» [جان پل لدرچ، در اثر دیوید آگسبرگر «میانجیگری در میان فرهنگ‌ها»، سال ۱۹۹۲، صفحات ۳۷ و ۳۸].

### نتیجه گیری

این نوشتار تلاش می‌کند تا سیر تکامل و توسعه‌ی فرایند آموزش میانجیگری را به‌طور خلاصه بیان نموده که پذیرای فرایندی ساختاری از تغییر و یادگیری بازتابی است. این فرایند بازتابی در صورتی می‌تواند اهمیت بسیار بالایی داشته باشد که دریافت‌کنندگان این آموزش که فکری ناقده دارند، تجربه‌ای بدست آورند که قابل قبول و اجرashدنی باشد. ما بطور مداوم با این پدیده غافلگیر می‌شدیم که گروه‌ها در کشورهای مختلف، در طول يك یا دو روز تجزیه و تحلیل منتقدانه تغییر حال داده و با يك فرایند به يك درکی اصیل از این «واقعیت جدید» دست می‌یافتند. هنگامی که استدلال و چالش، آزادانه بسط یافته و مورد کاوش قرار می‌گیرند و شرکت‌کنندگان ارزشهای اخلاقی میانجیگری را در بستر تمرینات آموزشی تجربه می‌کنند، افزایش قابل توجهی در مهارت و دانش کارآموزان حاصل شده و بطور شگفت‌انگیزی سطح بالایی از صلاحیت برای ایفای نقش خود نشان می‌دهند. ما دریافتیم که این تغییر ساختار از شیوه‌های قدیمی به جدید، مخالفت‌های بیشتری را در میان برخی شرکت‌کنندگان مسن به‌همراه دارد. یادگیرندگان جوانتر اغلب در کنار مربیان، نقشی را برای وضع شاخص‌های جدید مانند نقش‌های غیرآمرانه و قضاوتی در تمرینات عهده‌دار می‌شوند. این شیوه از رویکرد آموزشی توسط دونالد اسچون به این شکل توصیف شده است: «این يك الگوی تفکر در عمل است که من آنرا «گفتگوی بازتابی با موقعیت» می‌نامم» [صفحه ۲۸۶]. سابقاً وی اذعان نمود که «... من با این فرض شروع می‌کنم که کارورزان کارا معمولاً بیش از آنچه می‌توانند به زبان آورند می‌دانند. آنها به نوعی دانش عملی معطوف می‌شوند که بیشتر آن با سکوت همراه است. با این حال، با شروع پروتکل‌های عملکرد واقعی، ساخت و آزمون مدل‌های یادگیری امکان‌پذیر می‌شود. در واقع کارورزان اغلب ظرفیت خود را برای انعکاس دانش ذاتی در رفتارشان نشان می‌دهند و در برخی اوقات این قابلیت را برای غلبه بر موقعیت‌های خاص، غیرمطمئن و ناسازگار بکار می‌گیرند.» (صفحه ۸)، (دونالد ا. اسچون ۱۹۸۳، «کارورز انعکاسی، چگونه متخصصین در عمل می‌اندیشند»)

جان پل لدرچ، مربی میانجیگری بین فرهنگی، توضیح می‌دهد: «وقتی ما در بسترهای متفاوت فرهنگی تغییر مکان می‌دهیم، «ادبیات مربیانه‌ی» ما می‌تواند يك مانع باشد. من باید نسبت به زبان

مناسب‌تر دیدی باز داشته باشم. پس از اولین روز تدریس در پاناما، یکی از شرکت‌کنندگان گفت که میانجی‌گران مانند «راهنمایی» هستند که مردم را در شرایط پیچیده هدایت می‌کنند. این تصویر (از میانجی‌گر) باقی ماند. تا پایان هفته ما به هیچ عنوان در مورد «میانجی‌گران» و «میانجی‌گری» سخن نگفتیم بلکه به جای آن از عبارات «راهنمایان» و فرایند «هدایت» استفاده شد. زبان صرفاً یک فرایند ارتباطی نیست، بلکه یک خصوصیت اساسی در تجربه‌ی تعارض محسوب می‌شود» [لدرچ ۱۹۸۸، صفحه ۱۰، در اثر ذکر شده].

این برنامه‌ی آموزشی هنگامی که ما به بسترها و فرهنگ‌های متنوع وارد شده یا از آن خارج می‌شویم بگونه‌ای روشن تداوم خواهد یافت و ما قصد داریم به دقت این خطر که «ادبیات مربیانه‌ی» ما مانعی برای کسب اهدافمان باشد را به خوبی مورد توجه قرار دهیم، آنگاه که به دنبال «راهنمایی» آن افرادی هستیم که با فعالیت پیچیده‌ی مراجعه به مناطق خود و تلاش برای «راهنمایی» کسانی که درگیر منازعات در جامعه‌ی خود هستند روبرو هستند.

انجمن‌های حلّ اختلاف و داوری قویاً برای یادگیری اندیشه‌ها و نقطه‌نظرات جدید آمادگی دارند و مصمم هستند که آنها را مورد آزمون قرار داده و با ارزشهای اخلاقی و فرهنگی مورد قبول جامعه‌ی جهانی اسماعیلی مطابق نمایند و از طریق این برنامه‌های آموزشی بتوانند در گفتگوهای جهانی ADR مشارکت کنند. در کشورهای مختلفی در آسیا و آفریقا و اخیراً شمال آمریکا، مشاجراتی که در بین مسلمانان اسماعیلی بروز می‌کنند بطور فزاینده‌ای از سوی دادگاه‌های مدنی این کشورها، به انجمن‌های حلّ اختلاف و داوری اسماعیلی ارجاع داده می‌شوند. در کانادا که در حال حاضر مباحث ADR در آن دارای ارزش والایی هستند، سیستم ADR جامعه‌ی اسماعیلی در مورد اینکه چگونه جوامع دینی مختلف می‌توانند اختلافات خانوادگی را در میان چارچوبی از اخلاق و ارزشهای اجتماعی حلّ و فصل کنند به‌عنوان یکی سیستم پذیرفته شده در میان سایر سیستمها، از عملکرد خوبی برخوردار است.

---

۱- محمد م. کشاوجی وکیل قانونی مؤسسه‌ی گری در لندن و نماینده‌ی دادگاه عالی کشور کنیا است. از سال ۲۰۰۰ وی مسئول طرح‌ریزی و اجرای تمام برنامه‌های آموزشی انجمن‌های کشوری حلّ اختلاف و داوری جامعه‌ی مسلمانان اسماعیلی در سطح بین‌المللی بوده و در حال حاضر نامزد دریافت دکترای از دانشگاه لندن با موضوع راه‌های جایگزین حل اختلافات و جوامع اقلیتی مسلمان در غرب است.

۲- تونی واتلینگ، مربی راهنمای تمام برنامه‌های انجمن‌های کشوری حلّ اختلاف و داوری در سراسر جهان در موضوع میانجی‌گری مسایل خانوادگی است.

۳- برای بررسی سوابق بیشتر در این زمینه می‌توانید به مقاله‌ی کشاوجی م. با عنوان «حلّ اختلاف و میانجی‌گری در جامعه‌ی مسلمانان شیعه‌ی اسماعیلی» که در چهارمین کنفرانس مجمع جهانی میانجی‌گری، در ماه می ۲۰۰۳ در کشور آرژانتین ارائه شد مراجعه نمایید.